

مقاله پژوهشی: رویکرد سیاست‌گذاری اقتضایی در برنامه‌ریزی اقتصادی و

توسعه‌ای دهه ۶۰ در ایران (۱۳۶۷-۱۳۵۷)

[20.1001.1.24234621.1400.11.43.5.2](https://doi.org/10.1001.1.24234621.1400.11.43.5.2)

حسن دانایی فر^۱، علیرضا سلطانی^۲

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۹/۱۹

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۰/۱۱

چکیده

برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری را باید تابعی از متغیرات حاکم در محیط برنامه‌ریزی دانست. ناکامی تئوری‌های جهان‌شمول و مطلق‌گرایانه در امر توسعه منجر به شکل‌گیری نگرش‌ها و رویکردهای نوینی در سیاست‌گذاری توسعه، از جمله سیاست‌گذاری اقتضایی شد. سازواری (تناسب)، انسجام (به هم‌پیوستگی) و تاب‌آوری (انعطاف) را باید از ارکان اساسی برنامه‌ریزی اقتضایی دانست. سیاست‌گذاری اقتضایی چه جایگاهی در برنامه‌ریزی اقتصادی و توسعه‌ای ایران در دهه ۱۳۶۰ داشته است؟ بررسی انجام‌شده این فرضیه را شکل می‌دهد که تثبیت نسبی شرایط اقتصادی و اجتماعی با وجود بحران‌های سیاسی و امنیتی دهه ۶۰ و جنگ تحمیلی هشت‌ساله، نشان از برجستگی رویکرد سیاست‌گذاری اقتضایی در فرایند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی اقتصادی ایران در این دهه را داشته است. ارزیابی عملکردی آن دوره می‌تواند تجربه‌ای مفید برای شرایط بحرانی در نظام برنامه‌ریزی کشور باشد. پژوهش از روش توصیفی - تحلیلی، به شیوه جمع‌آوری کتابخانه‌ای با دسترسی به منابع دست اول و از منظر آینده‌پژوهی نتایج تحقیق به‌عنوان الگوی تجربه‌شده در شرایط بحران در نظام برنامه‌ریزی کشور مورد تأکید قرار گرفته است.

کلید واژه‌ها: برنامه‌ریزی اقتصادی، سیاست‌گذاری اقتضایی، توسعه، سیاست‌گذاری عمومی.

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، هیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

۲. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه

سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی را باید مهم‌ترین ابزار دولت در تحول اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه دانست. سیاست‌گذاری مناسب و صحیح، علاوه بر استفاده بهینه و افزایش منابع (انسانی و مادی)، موجبات رفاه عمومی و عدالت اجتماعی را فراهم می‌نماید. سیاست‌گذاری‌های عمومی تجلی اراده حکومت در عمل (خودداری از عمل) می‌باشند و آن‌ها را می‌توان به‌عنوان مجموعه‌هایی ساختاری و مرتبط، متشکل از مقاصد، تصمیمات و اعمال که قابل نسبت به اقتدار عمومی در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی هستند، در نظر گرفت (وحید، ۱۳۸۸: ۱۶). برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری توسعه شامل مجموعه‌ای از خط‌مشی‌ها، اهداف مشخص و از پیش تعیین‌شده‌ای هستند که توسط دولت‌ها و نهادهای عمومی تدوین، تصویب و اجرا می‌شوند و اغلب به‌عنوان شاخص‌های ارزیابی و کنترل فرایندهای توسعه اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در کشورها مورد قضاوت قرار می‌گیرند. ضرورت بازسازی و نوسازی ویرانه‌های به‌جامانده از جنگ جهانی دوم و نیاز به سرعت‌بخشی توسعه در کشورهای تازه‌استقلال‌یافته، شکل‌گیری الگوها و تئوری‌های مختلف برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری را فراهم نمود. ناکامی برخی از تئوری‌های جهان‌شمول و مطلق‌گرایانه در عمل باعث به وجود آمدن نگرش‌ها و رویکردهای نوینی در سیاست‌گذاری توسعه از جمله سیاست‌گذاری اقتضایی شد. استدلال اصلی و اساسی پارادایم اقتضایی این است که چگونه یک‌سری اقدامات متناسب با شرایط اقتضایی که منعکس‌کننده وضعیت موجود باشد و اثربخشی لازم را داشته باشد را تعیین می‌کند (Mai Tha, 2014: 1). سازواری (تناسب)، انسجام (به‌هم‌پیوستگی) و تاب‌آوری (انعطاف) را از ارکان اساسی برنامه‌ریزی اقتضایی می‌توان برشمرد. مدل سیاست‌گذاری اقتضایی در ایران از نظر مفهومی و کاربردی سابقه‌چندانی در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای کشورمان نداشته و تنها تعداد محدودی مقاله در این زمینه در مجلات و کتب علمی و دانشگاهی ارائه گردیده است. در اینجا با توجه به پارادایم اقتضایی این سؤال اصلی مطرح می‌شود که نظر به وضعیت و شرایط حاکم بر کشور سیاست‌گذاری

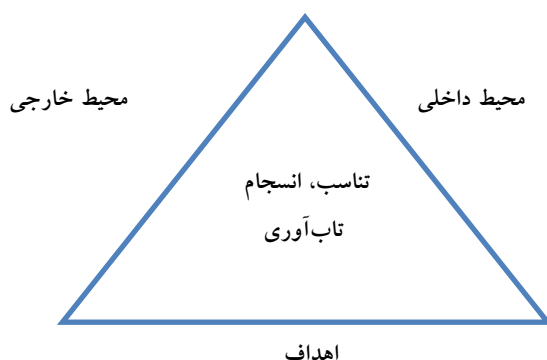
اقتضایی چه جایگاهی در برنامه‌ریزی اقتصادی ایران در دهه ۱۳۶۰ داشته است؟ در بررسی صورت‌گرفته این فرضیه شکل می‌گیرد که تثبیت نسبی وضعیت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی با وجود بحران‌های سیاسی داخلی و خارجی دهه ۶۰، نشان از برجستگی جایگاه سیاست‌گذاری اقتضایی در برنامه‌ریزی اقتصادی کشور در دهه ۶۰ داشته است. این مقاله تلاش دارد با مقایسه شاخص‌های اقتصاد کلان و دستاوردهای این دوره با دیگر ادوار از طریق جمع‌آوری کتابخانه‌ای اقدام نموده و از منظر آینده‌پژوهی نتایج تحقیق به‌عنوان الگوی تجربه‌شده در شرایط بحران در نظام برنامه‌ریزی کشور مورد تأکید قرار گیرد.

مبانی نظری - سیاست‌گذاری عمومی و سیاست‌گذاری اقتضایی

سیاست‌گذاری اقتصادی

سیاست‌گذاری عمومی ابزاری در اختیار دولت در تأثیرگذاری بر روند اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و توسعه جامعه می‌باشد. سیاست‌های عمومی، الگوی عملی‌پایداری هستند که انتظارات مختلف و گاه متناقضی را پاسخ داده و برای جلب همکاری در حل مسئله و مشکل عمومی ایجاد انگیزه می‌نمایند. خط‌مشی‌گذاری (سیاست‌گذاری) به‌صورت یک سیستم باز تحت تأثیر محیط‌های گوناگون فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فنی، اقلیمی و سازمانی می‌باشد و در قالب سیستم، حاصل داده‌های محیطی و جریانی است که مشکلات دریافتی را به راه‌حلی‌هایی به‌صورت خط‌مشی عمومی تبدیل می‌نماید (الوانی، ۱۳۳۸: ۱۸). سیاست‌گذاری اقتصادی را باید در زمره علوم بین‌رشته‌ای قرار داده و عملاً بخش اجتناب‌پذیر سیاست‌گذاری عمومی محسوب می‌شود. سیاست‌گذاری اقتصادی، مجموعه‌ای از خط‌مشی‌ها و اهدافی است که توسط دولت اجرا می‌گردد. به‌طور کلی، می‌توان هدف و موضوع سیاست‌گذاری اقتصادی را زمینه‌ای برای ایفای تحقق اهداف و برنامه‌های توسعه دانست (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۲۳). تدوین و اجرای سیاست‌گذاری اقتصادی بدون مدل و الگوهای تعریف‌شده، امکان‌پذیر نبوده و باید تابع اصول، مفاهیم و خط‌مشی‌های تبیین‌شده قبلی باشد. سیاست‌گذاری اقتصادی امری واقعی است و به‌طور مستقیم با محیط استراتژیک برنامه‌ریزی در ارتباط می‌باشد. شناخت وضع موجود به‌منظور وصول به وضع مطلوب

(آرمانی) دغدغه برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران می‌باشد؛ اما تحقق کامل وضع مطلوب با توجه به تأثیرات مؤلفه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ساختاری و جامعه‌شناسی امکان‌پذیر نیست. در عمل سیاست‌گذاری اقتصادی با فاصله گرفتن از بهترین مدل و تئوری، مناسب‌ترین مدل و رویکرد را در جهت تحقق اهداف و خواسته‌ها برمی‌گزیند. در اینجا انتخاب مدل و الگوهای سیاست‌گذاری به‌عنوان نقطه عزیمت بسیار تعیین‌کننده و اساسی خواهد شد. عوامل اقتدار عمومی، ساختار اجتماعی و محیط بین‌الملل را باید از جمله عوامل سه‌گانه اثرگذار در برنامه‌ریزی در نظر داشت. در هر دوره‌ای شکل‌بندی‌های متفاوتی از رفتار اجتماعی و بین‌المللی وجود دارد که می‌تواند زمینه‌های مربوط به تغییر در الگو، برنامه و فرایندهای سیاست‌گذاری اقتصادی را تحت تأثیر قرار دهد. بر این نکته تأکید می‌شود که هیچ مدل یا نظریه‌ای وجود ندارد که بتوان آن را در همه وضعیت‌ها و تحت شرایط متفاوت به کار برد (رضائیان، ۱۳۹۵: ۶۹). تجربه و ناکامی‌های به‌دست‌آمده در اجرای برنامه‌های توسعه در اواخر دهه پنجاه و اوایل دهه شصت میلادی در قرن بیستم رویکرد و باور عمومی در خصوص ناکارآمدی تئوری و الگوهای جهان‌شمول و اثباتی را قوت بخشیده و باعث واسازی ساختارها و نگرش‌های مرسوم گردیده و در اولویت قرار دادن ملاحظات اقلیمی و اقتضائات بومی در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی را تقویت کرده و منجر به ظهور الگوهای مختلف سیاست‌گذاری و توسعه شد و به‌زودی این باور را در اذهان نشانده که هر کشور باید در چهارچوب مقتضیات و داده‌های اقلیمی، محیطی، انسانی و نهادی خود طرح خاصی از توسعه را طراحی کند و به اجرا بگذارد؛ به عبارت دیگر هیچ الگوی از پیش تعیین‌شده و جهان‌شمولی برای راهبری جامعه در مسیر توسعه وجود ندارد (متوسلی، ۱۳۸۴: ۱۱). رویکردهایی که توانایی ایجاد تعادل و توازن راهبردی، پایداری مستمر و انعطاف لازم در مواجهه با کنش‌های احتمالی در مثلث سیاست‌گذاری (اهداف، محیط داخلی و محیط خارجی) با نگرشی آینده‌محور و متناسب با واقعیت‌های اجتماعی، سیاسی، ساختاری و اقتصادی و پدیده‌های خارج از کنترل را در برنامه‌های توسعه فراهم نماید.



شکل شماره ۱: مثلث سیاست‌گذاری

الگوی سیاست‌گذاری اقتضایی را می‌توان یکی از رویکردهای جدید در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری عمومی و توسعه‌ای در این دوره قلمداد نمود و به‌عنوان روشی که ما را در تدوین سیاست‌گذاری از اتخاذ یک شیوه خاص برحذر داشته و عوامل تأثیرگذار پیرامونی در کلیه مراحل سه‌گانه (مطالعه، تدوین و اجرا) جهت حفظ تعادل مثلث سیاست‌گذاری مورد توجه قرار داد.

سیاست‌گذاری اقتضایی

رویکرد اقتضایی در برنامه‌ریزی را نتیجه دوره‌هایی با سطوح مخاطره بالا در ایام جنگ جهانی اول و دوم و همچنین ناکارآمدی تئوری‌های ارائه‌شده جهان‌شمول و مطلق‌گرایانه در برنامه‌های توسعه طی دهه‌های پنجاه و شصت در قرن بیستم میلادی می‌توان قلمداد کرد. باید میان نظریه‌های جهان‌شمول مدیریتی و نظریه اقتضایی تمایزی برقرار کرد. نظریه‌های جهان‌شمول بیان می‌کنند که یک «بهترین راه» برای سازمان‌دهی وجود دارد و معتقدند که عملکرد سازمانی بهینه (ماکسیمم) ناشی از سطح بهینه (ماکسیمم) یک متغیر ساختاری است ... نظریه اقتضایی از این لحاظ با تمام نظریه‌های جهان‌شمول متفاوت است و اعتقاد دارد عملکرد بهینه حاصل انطباق یافتن است (Donaldson, 2001: 4-5). در این

رویکرد، دستورالعمل‌های عمومی، قانونی و سازمان‌یافته کارکرد خود را در روند سیاست‌گذاری اقتصادی از دست می‌دهند و به‌جای آن، فرایندها و نشانه‌های دیگری از جمله انعطاف‌پذیری، پویایی و تصمیم‌گیری برای شرایط غیر قابل پیش‌بینی، اهمیت می‌یابند (مصطفی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۴۸). سیاست‌گذاری اقتضایی تلاش می‌نماید تا با ایجاد رابطه‌ای ارگانیک و ذاتی بین محیط اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، ابزاری و اقتصادی زمینه تحقق اهداف را فراهم نماید. مفهوم اصلی و اساسی این مدل توجه ویژه به واقعیت‌های موجود و در حال شکل‌گیری در محیط سیاست‌گذاری بوده و اثربخشی شیوه و روش‌های متخذه در تبیین خط‌مشی‌ها در چهارچوب سیستم را به دقت تمام مد نظر قرار می‌دهد. استدلال اصلی و اساسی پارادایم اقتضایی این است که چگونه یک‌سری اقدامات متناسب با شرایط اقتضایی که منعکس‌کننده وضعیت موجود باشد و اثربخشی لازم را داشته باشد را تبیین می‌کند (Mai Tha, 2014: 7). ایجاد رابطه ارگانیک و منظم بین فضای ایده‌آل ذهنی و فضای سخت محیطی از جمله ویژگی‌هایی است که هر برنامه‌ریز و سیاست‌گذار باتجربه در برنامه‌ریزی توسعه باید مورد نظر قرار دهد. نتیجه اصلی این است که اگر طراحان پروژه‌ها، امکان انتخاب داشته باشند، به‌طور اقتضایی رفتار خواهند کرد و چنین به نظر می‌رسد که آن‌ها با تغییر موقعیت‌ها (شرایط)، استراتژی‌ها و تاکتیک‌های خود را تغییر می‌دهند و بر عقلانیت این دو موضوع تأکید می‌کنند: ۱. فاصله گرفتن از مدل سفت و سخت عقلانی؛ ۲. در پاسخ به موقعیت‌ها و مسائل مشخص می‌توان سبک‌های مختلف برنامه‌ریزی را ترکیب کرد (Bryson and Delbecq, 1979: 178). از جمله شاخص‌های این مدل دسترسی عینی و سریع به اهداف تدوین‌شده در برنامه می‌باشد. برخلاف برنامه‌ریزی‌های بلندمدت که نیازمند زمان و منابع بیشتری هستند، برنامه‌ریزی اقتضایی به دنبال این است که به نتایج ملموس و مشخصی در زمان و منابع کمتر برسد (Malizia, 1982: 165). برقراری ارتباط تبعی (نه علت و معلولی) بین شرایط محیطی و موقعیتی مشخص با مفاهیم و فنون مدیریتی مناسب. در این ارتباط عوامل و شرایط محیطی اغلب متغیر مستقل و مفاهیم مدیریت متغیر وابسته تلقی می‌شود؛ بنابراین سه عنصر اصلی تئوری اقتضاء عبارت‌اند از: محیط، مفاهیم مدیریت و ارتباط مشروط و مقتضی بین آن دو (مدنی، ۱۳۷۱: ۱۱۵). نظریه

اقتضایی را می‌توان به‌عنوان تئوری میانبر و وصل‌کننده بین تئوری عمومی-کلی و مطالعات موردی خاص توصیف کرد. تئوری برنامه‌ریزی اقتضایی می‌تواند شیوه‌ای مفید برای ترکیب اصول کلی برنامه‌ریزی و پیوند آن‌ها با زمینه‌های خاص برنامه‌ریزی و شرایط ویژه باشد (Kaufman, 1979: 405). الگوی اقتضایی از نظر روش‌شناسی به‌نوعی تکثرگرایی در انتخاب خط‌مشی باور داشته و چیزی به‌عنوان «بهترین راه‌حل» در برخورد با مشکلات را توصیه نمی‌نماید، بلکه پاسخگویی مناسب به پدیده‌ها را در اولویت ذاتی خود قرار می‌دهد و بر همین اساس در تبیین اهداف از نگاه‌های مطلق‌گرایانه فاصله گرفته و تلاش می‌نماید تا در مثلث سیاست‌گذاری نقطه تعادل (تاب‌آوری، سازواری و انسجام) را فراهم نماید. قبل از پردازش به عناصر اصلی الگوی سیاست‌گذاری اقتضایی باید به این نکته اذعان کرد که ایجاد شرایط مناسب جهت اجرای این مدل در درون محیط برنامه‌ریزی را باید یکی از محدودیت‌های این مدل دانست، سیستمی که قدرت انعطاف و تطبیق با محیط را در حد لازم دارا باشد. الگوی اقتضایی پاسخی مناسب برای این مسئله است. الگوی اقتضایی که برگرفته از نگرش سیستمی است ما را از اتکاء به یک روش و شیوه خاص در خط‌مشی‌گذاری به‌عنوان تنها روش مناسب و مطلوب برحذر می‌دارد و شرایط و موقعیت را عامل تعیین‌کننده‌ای در انتخاب شیوه مطلوب خط‌مشی‌گذاری می‌داند... الگوی اقتضایی پلی بین نظریه‌ها و شرایط واقعی ایجاد می‌کند و از جدایی بین نظر و عمل می‌کاهد (الوانی، ۱۳۶۸: ۱۹). ماهیت مفهوم برنامه‌ریزی جامع به ضرورت ایجاد سازگاری، انسجام و پالایش مفاهیم در درون طرحی از برنامه‌ریزی حکم می‌دهد که همواره به سمت شمول کلیه فعالیت‌های جامعه حرکت کند. وظیفه بزرگ این است که مقتضیات چنین ضرورت‌هایی تأمین شود، به‌ویژه در شرایطی که برنامه‌ریزی با کمبود داده‌های حقیقی و ثابت‌شده روبه‌رو باشد (لثود، ا.ج. اس، ۱۳۹۷: ۳۴). وظیفه اصلی مدل اقتضایی را می‌توان تأمین مقتضیات در توانایی مواجهه با محیط‌های تأثیرپذیر سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی داخلی، محیط‌های ناپایدار پیرامونی و بین‌المللی و نوسانات مستمر در شرایط سیال و غیرپایدار دانست. سه ضرورت اصلی تاب‌آوری برنامه به قدرت انعطاف، واکنش، سازگاری و تحمل برنامه نسبت به پدیده‌ها و حوادث غیر پیش‌بینی‌شده احتمالی و

غیرمنتظره پیرامون محیط برنامه‌ریزی اطلاق می‌گردد. جنگ‌ها و حوادث امنیتی، سیاسی، اقتصادی و نظامی در منطقه و جهان، نوسانات درآمدی مانند قیمت نفت، تحریم‌ها و حتی رویکردهای نو در سطوح منطقه‌ای و جهانی مانند جهانی‌سازی و جهانی شدن و ... به‌عنوان مؤلفه‌های تأثیرگذار خارج از کنترل در محیط برنامه‌ریزی عمل می‌نمایند. مهم‌ترین عناصر تاب‌آوری مربوط به تاب‌آوری سیستم عمومی (دستگاه اجرایی) و تاب‌آوری اجتماعی به قدرت انعطاف و واکنش مناسب در مواجهه با موانع و مشکلات مربوط می‌شود. انسجام برنامه، به نبود تعارض و تناقض، به هم‌پیوستگی و هماهنگی بین عناصر بخشی و درون‌بخشی در سطوح افقی و عمودی برنامه از طریق پرهیز از پیچیدگی‌های غیر ضرور که به هم‌افزایی و همگرایی بیشتر بینجامد، اهتمام داشته و استفاده بهینه از منابع را در پی خواهد داشت. سازواری یا هم‌آوایی و متناسب بودن برنامه با واقعیت‌ها و هماهنگی با مدل‌ها و مبانی تئوریک به مفهوم نظریه‌های رایج و عمومی اقتصادی و توسعه‌ای، خصلت‌های ذاتی ساختار سیاسی و فرهنگی حاکم بر محیط عمومی و ضرورت‌های تحمیلی و خارج از کنترل بر برنامه را پوشش می‌دهد. مبانی نظری، خصلت‌ها، رویکردهای ایدئولوژیک حاکم به روابط بین‌الملل و دیدگاه‌های محیط خارجی نسبت به محیط داخلی را باید از جمله شرایطی دانست که عنصر سازواری تلاش می‌نماید تا تعادل لازم مابین شرایط فوق را در جهت موفقیت برنامه و سیاست‌گذاری ایجاد نماید. در مجموع الگوی اقتضایی سعی وافر خود را در تنظیم و همخوان نمودن کلیه عوامل تأثیرگذار داخلی و خارجی معطوف می‌نماید تا از این طریق خواسته‌ها و اهداف مورد نظر در شرایط خاص محقق شود.

نگاهی به برنامه‌ریزی اقتصادی کشور و شرایط عمومی دهه شصت (۱۳۶۸-۱۳۵۷)

هرچند موضوع برنامه‌ریزی و رسیدگی به بودجه در قانون اساسی مشروطه در سال ۱۲۸۵ شمسی به استناد اصل شانزدهم، هیجدهم و بیستم به‌صراحت بیان گردیده بود ولی بر اساس شواهد و اسناد رسمی، کار تهیه نقشه و برنامه توسعه به شکل نظام‌مند، شمولیت عامه و جامعیت در ایران را باید از سال ۱۳۲۷ (ش) با تصویب اولین برنامه هفت‌ساله

دانست. از آن زمان تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ (ش) دو برنامه عمرانی هفت‌ساله و سه برنامه پنج‌ساله توسعه تهیه، مصوب و اجرا گردیده است. برنامه پنج‌ساله ششم عمرانی (۱۳۵۷-۱۳۶۱) تهیه و مصوب می‌گردد و به دستور نخست‌وزیر وقت پس از چند ماه متوقف می‌گردد. شوک نفتی ۱۹۷۳ م (۱۳۵۲ ش) هم‌زمان با اجرای برنامه عمرانی پنجم و تزریق عایدات فراوان و خارج از برنامه از محل فروش نفت موجب شد تا وضعیت خاصی در روند نوسازی و توسعه را در کشور به وجود آورده و علایم شدید و مزمن بیماری هلندی در بدنه اقتصاد ملی بروز و ظهور نماید. تورم فزاینده غیرمنتظره موجب شد تا جمشید آموزگار نخست‌وزیر وقت، مجبور شود برای مهار تورم و نابه‌سامانی به‌وجودآمده، برنامه ششم را متوقف نماید. آموزگار که در ۱۹۷۷ (م) (۱۳۵۶ ش) نخست‌وزیر بود، اکثر طرح‌های توسعه را که در مقیاسی بزرگ بودند، معوق گذارد... در طول اولین سال از برنامه ششم یک بودجه سالانه برای کاهش هزینه‌ها به جزء در مورد پروژه‌های مهم تولیدی، همچون نیروگاه‌های برق هسته‌ای، وضع گردید... این کار به بهای کم شدن فرصت‌های شغلی و کاهش درآمدهای واقعی تمام شد (کمبریچ، ۱۳۸۸: ۲۳۱). فرار سرمایه‌ها (انسانی و مالی) از کشور، تعطیلی کارخانجات صنعتی و تولیدی و اعتصابات کارکنان واحدهای تولیدی صنعتی در آستانه انقلاب در سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ (ش)، حوادث و پیشامدهای سیاسی، امنیتی، اجتماعی و اقتصادی پس از پیروزی انقلاب در بهمن‌ماه ۱۳۵۷ (ش) از قبیل مصادره شرکت‌ها و مدیریت‌های غیرحرفه‌ای در واحدهای تولیدی. با پیروزی انقلاب اسلامی و ملی شدن بسیاری از واحدهای تولیدی، بیشتر سرمایه‌گذاران خارجی با واگذاری سهام خود به دولت ایران از کشور خارج شدند (بهکیش، ۱۳۹۵: ۳۱۴). ناآرامی‌ها و اقدامات مسلحانه در برخی از مناطق کشور هزینه‌های اقتصادی و انسانی قابل توجهی را به وجود آورد، شروع جنگ تحمیلی در شهریورماه سال ۱۳۵۹ (ش) توسط عراق (صدام حسین) در مرزهای غربی کشورمان (جنگی که به نوبه خود یکی از طولانی‌ترین جنگ‌های قرن بیستم محسوب می‌شد) نیز موجب تحمیل هزینه‌های گزاف مالی و انسانی و ایجاد اولویت‌های جدید هزینه‌ای شد. «اوضاع جنگی شرایطی را ایجاد کرد که در آن نه عادی شدن وضع اقتصادی ممکن بود، نه رسیدن به نوعی

تعادل سیاسی. از نظر اقتصادی، بمباران‌های دشمن مقدار زیادی از تأسیسات صنعتی و بناهای گوناگون دولتی و خصوصی را منهدم کرد. سرمایه، دارایی، ارز، مهارت و تولیدات صنعتی به‌طور عمده در خدمت ماشین جنگ قرار گرفت» (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۳۵). «بر اثر حملات و بمباران هوایی دشمن به مراکز و اسکله‌های نفتی و تحریم نفتی ایران توسط کشورهای غربی به‌خصوص پس از اشغال سفارت آمریکا در تهران، باعث شد تا صادرات نفتی به حداقل خود رسیده و درآمدهای ارزی کاهش یابد. صادرات نفت خام از ۴/۸ میلیون بشکه در روز در سال ۱۳۵۶ (ش) به ۲/۴ میلیون بشکه در روز در سال ۱۳۵۸ (ش) و کمتر از یک میلیون بشکه (۷۹۶ هزار بشکه) در روز در سال ۱۳۵۹ (ش) کاهش یافت» (دژپسند و رئوفی، ۱۳۹۰: ۸۵). درآمدهای کشور از محل فروش نفت که عمده‌ترین (۹۸٪) منبع درآمدی دولت محسوب می‌شد، به ۴۰ درصد کاهش یافته بود. «درآمد نفتی کشور از ۱۸ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۸ (ش) به ۱۱ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۹ (ش) کاهش یافت» (بهکیش، ۱۳۹۵: ۱۸۳). تحت چنین شرایطی علاوه بر کاهش صادرات نفتی و غیرنفتی، سایر درآمدها و منابع نیز کاهش پیدا نمود. توقف برنامه ششم از قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۶ (ش)، در عمل کشور را در شرایط بدون برنامه‌ای قرار داده بود، شرایط سیاسی جدید شکل‌گرفته مبتنی بر خصلت‌های انقلاب وضعیت خاصی را در روابط خارجی و بین‌الملل در کشور موجب شد. برخی تحریم‌ها توسط آمریکا شروع، امکان دریافت وام و استقراض خارجی در هاله‌ای از ابهام قرار گرفت، عمده دارایی، اموال و منابع مالی ایران نزد بانک‌های آمریکایی بلوکه گردید. نیازهای اقتصادی جامعه و جنگ نظامی در زمین هر روز فشارهای فزاینده را تحمیل می‌نمود. همه عوامل و عناصر مذکور اقتصاد ملی را در آستانه عدم تعادل و شرایط خطرناکی قرار داده بود. در چنین وضعیتی اهداف دولت وقت، حفظ وضع موجود و جلوگیری از بدتر شدن امور اقتصادی و اجتماعی، تأمین نیازمندی‌های جبهه‌های جنگ و هزینه‌های دفاعی و تأمین حداقل نیازهای آحاد مردم در نظر گرفته می‌شود. جنگ... دولت اسلامی را به اتخاذ سیاست‌های عاجل با توجه به دو هدف عمده وادار کرد. هدف نخست، به عهده گرفتن مخارج بسیج گسترده

برای جنگی پرهزینه با عراق بود، هدف دوم پیش‌گیری از حدت فشار به سطح زندگی مردم در اقتصادی بود که رو به افول داشت (بهداد و نعمانی، ۱۳۸۶: ۸۳).

تحلیل سیاست‌گذاری اقتصادی دهه شصت بر مبنای سیاست‌گذاری اقتضایی

دهه ۶۰ برای سیاست و اقتصاد ایران دوره‌ای خاص و ویژه به شمار می‌آید. در دولت وقت تحت تأثیر شرایط سیاسی و امنیتی پس از انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی سه هدف مشخص الف- اداره وضع عمومی کشور. ب- پشتیبانی لجستیکی از جبهه‌های جنگ تحمیلی. ج- تأمین حداقل نیازمندی‌های آحاد مردم در دستور کار قرار داده می‌شود و برنامه‌های توسعه‌ای فقط در بخش‌های ضروری و مورد نیاز از جمله نظامی و صنعتی خاص مورد توجه قرار می‌گیرد.

ایجاد هزینه‌ها و اولویت‌های جدید با شروع جنگ تحمیلی (خرید اقلام دفاعی خارج از کشور، راه‌اندازی خطوط تولید نیازمندی‌های نظامی در داخل کشور و هزینه‌های عمومی جنگ)، فشار تورمی ناشی از جو روانی جنگ، بازسازی لحظه‌ای و به‌هنگام مناطق حیاتی آسیب‌دیده از بمباران دشمن مانند تأسیسات و اسکله‌های نفتی، کاهش عمومی نسبت پس‌انداز به سرمایه‌گذاری، کاهش صادرات (به‌واسطه کاهش تولید و تغییر در اولویت‌ها)، کاهش واردات به دلیل توقف پروژه‌ها و طرح‌های صنعتی و در نتیجه کاهش تولید و روند سرمایه‌گذاری، مهاجرت‌ها و جابه‌جایی‌های انسانی بر اثر جنگ، کاهش چشمگیر میزان تولید ملی (کمبود کالاها)، فرار سرمایه‌های قابل توجه ملی، توقف روند جذب سرمایه‌گذاری خارجی و کاهش شدید درآمدهای عمومی، اتخاذ سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های متناسب با شرایط و اقتضائات موجود را در اولویت قرار می‌دهد.

جنگ، تحریم و کاهش شدید درآمدهای عمومی به‌عنوان پدیده‌های تأثیرگذار بر روند اداره امور اقتصادی، حکومت را بر آن می‌دارد تا در جهت کنترل و اداره شرایط تحمیلی موجود سیاست‌ها و خط‌مشی‌های خاص، سیاست دخالت مستقیم در امور اقتصادی را در سرلوحه کار خود قرار دهد. در زمان جنگ، به دلیل افزایش محدودیت‌ها و تغییرات ناگهانی اولویت‌ها، تصمیمات تغییر می‌یابند و شرایط خاص محدودیت‌های ناشی از جنگ به نحوی است که موجب کنترل و نظارت بیشتر دولت بر اقتصاد می‌شود (قبرلو، کافی، ۱۳۹۴: ۱۲). عامل

جنگ تحمیلی نیز کافی بود تا دولت به سمت و سوی سیاست‌های متناسب با اقتضائات حرکت نماید. عامل خارجی جنگ که در هر حال، دخالت بیشتر دولت را در فعالیت‌های اقتصادی موجب می‌شود و رهبری اقتصادی دولت را به‌خصوص در زمینه تخصیص منابع، بازرگانی خارجی و سیستم جیره‌بندی به وجود می‌آورد. جنگ جهانی اول و دوم نقش چشمگیری در این زمینه داشت و اذهان عمومی را برای مداخله دولت پس از جنگ نیز آماده ساخت (نمازی، ۱۳۹۵: ۱۲۶).

جنگ ... دولت را بیش از پیش به دخالت مستقیم در اقتصاد کشاند و با دادن یارانه و کنترل قیمت‌ها بر عرصه تولید و مصرف اعمال کنترل کرد (بهداد و نعمانی، ۱۳۸۶: ۸۳). در شرایط با مخاطرات بالا و تغییرات گسترده، دولت‌ها در عمل از مدل‌های توسعه و سیاست‌گذاری رایج فاصله گرفته و سیاست‌های کنترلی حداکثری را با وضع سیاست‌های عمومی ویژه و کنترلی مستقیم اقتصادی اجرا می‌نمایند و در این دهه دولت نیز با اتخاذ چنین رویکردی توانست رفاه نسبی، رضایت عمومی و اداره امور را فراهم نماید. در اینجا ضروری است به دو نکته مهم اشاره شود. تاب‌آوری عمومی بالای جامعه در سایه انقلاب اسلامی و اهداف عالی آن وضعیت مناسبی را جهت اتخاذ چنین سیاست‌هایی فراهم و به سیستم (دستگاه‌های دولتی) توانایی انعطاف و آمادگی لازم در اعمال روش‌ها و خط‌مشی‌های عمومی مذکور را اعطاء نموده بود. دوم ضمن تأکید بر اصل اهتمام به اقتضائات و ملاحظات اقلیمی در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری توسعه، بایستی اذعان کرد که سیاست‌های اجرایی مذکور را به‌عنوان ضرورت در شرایط خاص می‌توان مد نظر قرار داد و در راستای توسعه پایدار و شرایط عادی قابل تعمیم نمی‌باشند.

سیاست‌ها، خط‌مشی‌ها و اهداف

تنظیم سیاست‌های عمومی و کنترلی بر مدار اداره امور و اقتضائات مربوطه به منظور حفظ وضع موجود در داخل، رضایت نسبی و عمومی آحاد جامعه و همچنین پشتیبانی از جبهه‌های جنگ به‌عنوان مهم‌ترین اهداف و افزایش درآمدهای

عمومی، تنظیم، کنترل آن و تخصیص عایدات را از اصلی‌ترین امور اجرایی دولت در این دوره باید دانست.

الف. سیاست‌های عمومی

- **متنوع‌سازی درآمدهای دولت از جمله تأکید بر درآمدهای مالیاتی:** اتکای بیشتر درآمدهای ملی به مالیات یکی از شاخص‌های این دوره به حساب می‌آید. آمارهای یادشده نشان می‌دهد که به دلیل محدودیت‌های ایران در صادرات نفت در دوران جنگ، زمینه برای شکل‌گیری اقتصاد مبتنی بر مالیات در سال‌های دهه ۱۳۶۰ فراهم گردید. به‌گونه‌ای که در سال ۱۳۶۵ میزان اثرپذیری بودجه عمومی از درآمدهای نفتی به کمتر از ۲۱ درصد رسید. چنین فرایندی آثار خود را در رشد اقتصادی و همچنین درآمدهای عمومی دولت به‌جا گذاشته و زمینه لازم برای تحول بنیادین در لایه‌بندی اقتصادی و درآمد عمومی ایران در سال‌های بعد از پایان جنگ و تنظیم برنامه اول اقتصادی را فراهم کرد (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۲۰۶).

- **کاهش هزینه‌های دولت:** در این دوره با توجه به ضرورت و شرایط موجود، سیاست کنترل و کاهش هزینه‌های دولت در دستور کار قرار داده می‌شود، به‌گونه‌ای که کمترین رشد هزینه‌های دولت در مقایسه با قبل و بعد از این دوره را ما شاهد هستیم. «در فاصله دوازده سال (۶۷-۱۳۵۵) هزینه‌های دولت تنها ۲/۴ برابر شد. ... در دوره دوم که از ۱۳۶۸ آغاز و تا ۱۳۷۴ ادامه داشته، هزینه‌های بودجه در فاصله تنها هفت سال (۷۴-۱۳۶۷)، حدود ده برابر شده که رشدی جهشی را نشان می‌دهد» (رزاقی، ۱۳۹۲: ۱۲۱).

- **تمرکز بر اتمام پروژه‌های نیمه‌تمام با اولویت افزایش تولید:** پروژه‌های صنعتی، خدماتی و کشاورزی زیادی که پس از توقف برنامه ششم عمرانی قبل از انقلاب و شرایط جنگی در کشور متوقف و به‌صورت نیمه‌تمام رها شده بودند، در این دوره سیاست اتمام پروژه‌هایی در دستور کار قرار داده می‌شود که منجر به افزایش تولید داخلی و در جهت خودکفایی باشند. بر اساس آمار ارائه‌شده در جدول شماره (۳) در این دوره نسبت بودجه عمرانی به دیگر بخش‌ها به‌طور متوسط در حدود ۲۵٪ بوده است.

- سیاست‌های انقباضی پولی و مالی: سیاست‌های پولی و مالی انقباضی در جهت جذب نقدینگی کشور و مهار تورم با توجه به شرایط اقتصاد ملی کشور و اقتضائات عمومی در آن دوره به دو روش صورت می‌پذیرفت. روش اول سیاست کنترلی و تخصیصی شامل کاهش تخصیص‌ها به‌خصوص در پروژه‌های دیربازده، تلاش در جهت کاهش تزریق نقدینگی در جامعه و همچنین نظارت و کنترل دقیق فعالیت‌های بانک‌ها توسط بانک مرکزی و دیگر دستگاه‌های نظارتی. روش دوم جمع‌آوری نقدینگی موجود در جامعه به اشکال مختلف توسط دستگاه‌های مربوطه از قبیل پیش‌فروش سکه، خودرو، فیش‌های ثبت نام زیارت سفر به مکه و مدینه (حج)، واگذاری خط تلفن، اوراق قرضه و سهام و دیگر اقداماتی که منجر به جمع‌آوری نقدینگی موجود عمومی می‌شد.

- سیاست جایگزینی واردات: استراتژی جایگزینی واردات به‌عنوان یک سیاست درون‌گر که تلاش دارد تولیدات داخلی را جایگزین واردات (ویژه واردات صنعتی) نماید، طی دهه‌های پنجاه و شصت میلادی در کشورهای گوناگون همچنین در ایران مورد تأکید قرار می‌گیرد. از مهم‌ترین ویژگی‌های این سیاست حمایت از تولید محصولات داخلی توسط دولت از طریق تنظیم و نظارت مستمر بر واردات می‌باشد. سیاست مذکور از جمله سیاست‌هایی بوده که در دستور کار دولت وقت قرار می‌گیرد. ارزش کل واردات صنعتی در سال ۱۳۵۷ برابر با ۷۲۵۱ میلیون دلار بوده که در سال ۱۳۶۷ به ۶۴۸۶ میلیون دلار رسیده. طی این دوره واردات صنعتی نوسانات بسیاری داشته و در بیشتر سال‌ها نرخ آن کاهش یافته است. به‌طوری که معدل این نرخ در طی دوره ۱- درصد می‌باشد (توزاد، ۱۳۸۴: ۱۹۱).

ب. سیاست‌های کنترلی و تنظیمی مستقیم

- کنترل قیمت‌ها: به‌منظور جلوگیری از افزایش بی‌رویه قیمت کالاها و به‌خصوص اقلام ضروری جامعه و پیشگیری از فشارهای فزاینده بر دوش آحاد مردم جامعه کنترل مستقیم قیمت و نحوه قیمت‌گذاری مورد اهتمام قرار می‌گیرد، اغلب در وضعیتی که نااطمینانی در اقتصاد وجود دارد، سبب شکل‌گیری اقتصاد زیرزمینی و بازار سیاه و غیر رسمی برای کالاهای کمیاب‌تر شده و موجب رونق گرفتن فعالیت‌های دلالی

می‌شود (دژپسند و رئوفی، ۱۳۹۰: ۲۵). کنترل بازار با به‌کارگیری سه روش کالاهای عمومی مهار شد. ۱- از طریق قیمت‌گذاری مستقیم دولت توسط دستگاه‌های مربوطه، ۲- نظارت و کنترل میدانی از طریق سازمان تعزیرات حکومتی، ۳- واردات انحصاری کالاهای عمومی و اقلام ضروری جامعه توسط وزارت بازرگانی (شرکت مرکز تهیه و توزیع کالا وابسته به وزارت بازرگانی) در طول دوران جنگ بسیاری از کالاها و خدمات مشمول قیمت‌گذاری شدند و در واقع این دوره را می‌توان دوره دخالت گسترده و وسیع دولت در مکانیزم قیمت‌ها دانست (بهکیش، ۱۳۹۵: ۱۶۲).

- **کنترل دستمزدها به منظور کاهش هزینه‌های تولید:** کنترل دستمزدها از منظر کاهش هزینه‌های تولید و جلوگیری از اجحاف در حق مزدبگیران به‌طور مستقیم توسط وزارت کار و امور اجتماعی در دستور کار قرار داده می‌شود.

- **سیاست جیره‌بندی و کالابرگ:** بر عهده گرفتن مسئولیت سهمیه‌بندی کالاهای اساسی به دلیل شرایط خاص جنگی و نیز مسئولیت‌هایی که در چهارچوب قانون حفاظت و توسعه صنایع کشور به دلیل شرایط خاص جنگی از پیروزی انقلاب اسلامی بر عهده دولت قرار گرفته بود (مؤمنی، ۱۳۸۶: ۵-۳۰۴)، توزیع کالابرگ و سهمیه‌بندی اقلام اساسی و ضروری به مورد اجرا گذاشته می‌شود.

- **کنترل نرخ ارز:** دولت سیاست حفظ وضع موجود را در خصوص برابری نرخ ارز با پول ملی دنبال و از نرخ‌گذاری ارزی جدید اجتناب می‌نماید. نرخ ارز رسمی پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در دوران جنگ تحمیلی ثابت ماند. در عمل نرخ رسمی دلار در ایران بین سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۷۲ بین ۶۵ تا ۷۵ ریال نوسان داشته است (نائینی جلال، ۱۳۷۶: ۱۱۵) و کلیه ارزهای واگذاری به بنگاه‌ها به نرخ رسمی پرداخت می‌شد. در ایران تا سال ۱۳۶۸ نرخ ارز تخصیصی برای بنگاه‌ها، نرخ رسمی بود که این روند با اجرای برنامه اول توسعه و شروع اصلاحات اقتصادی تعدیل شد (بهکیش، ۱۳۹۵: ۱۵۹).

- **کنترل واردات، صادرات و تخصیص اداری ارز:** سهمیه‌بندی میزان واردات و وضع تعرفه‌های خاص برای واردات و کنترل صادرات را از جمله مهم‌ترین ابزار کنترل دولت در بخش تجارت و بازرگانی در این دوره باید دانست. با نامستعد بودن بازار جهانی نفت،

را تجربه نموده‌اند. کمترین سهم درآمدی نفت در بودجه برابر با ۲۴,۳ درصد و بیشترین سهم درآمدی مالیات ۵۷,۵ در سال ۱۳۶۵ اتفاق افتاده است.

روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش از روش‌شناسی توصیفی-تحلیلی، با بیان وضعیت عمومی کشور از نقطه‌نظر شرایط ویژه و خاص امنیتی، سیاسی و اقتصادی در قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی هشت‌ساله با بررسی و تحلیل دستاوردهای عملکردی و عینی دوره در زمینه اقتصاد کلان به‌عنوان شاخص کمی و رضایت عمومی نسبی جامعه به‌عنوان شاخص کیفی در مقایسه با ادوار قبل و بعد از آن، با بهره‌گیری از منابع دست اول از طریق جمع‌آوری کتابخانه‌ای انجام پذیرفته است. هرچند باید اذعان نمود که شرایط خاص حاکم بر کشور در آن دوره دسترسی به منابع، اعداد و ارقام را تا حدودی با مشکل مواجه نموده است و از منظر آینده‌پژوهی و کاربردی نتایج به‌دست‌آمده در این مقاله می‌تواند به‌عنوان الگوی تجربه‌شده‌ای در شرایط بحران در نظام برنامه‌ریزی کشور مورد تأکید قرار گیرد.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

جدول شماره ۲: بررسی اجزای درآمد عمومی دولت طی دوره ۱۳۷۲-۱۳۵۵

سهم سایر (درصد)	سهم مالیات (درصد)	سهم نفت (درصد)	سال
□□□□	□□□□	□□□□	□□□□
□□□□	□□□□	□□□□	□□
□□□□	□□□□	□□□□	□□
□□□□	□□□□	□□	□□
□□□□	□□□□	□□□□	□□
□□□□	□□□□	□□□□	□□
□□□□	□□□□	□□□□	□□
□□□□	□□□□	□□□□	□□

□□□□	□□□□	□□□□	□□
□□□□	□□□□	□□□□	□□
□□□□	□□□□	□□□□	□□
□□□□	□□	□□□□	□□
□□	□□	□□□□	□□
□□	□□	□□□□	□□
□□□□	□□□□	□□□□	□□
□□□□	□□□□	□□□□	□□
□□□□	□□□□	□□□□	□□

مأخذ: مجموعه آماری سازمان برنامه و بودجه

حجم پول و رشد نقدینگی جدول شماره (۲) بیان‌کننده وضعیت حجم پولی و رشد نقدینگی طی دوره به‌خصوص در سال ۱۳۶۳ درصد نرخ رشد نقدینگی در سال ۱۳۵۹ برابر با ۲۷ درصد، در سال ۱۳۶۳ به کمترین میزان برابر با شش درصد و در سال ۱۳۶۷ برابر با ۲۳/۸ درصد را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۳: حجم پول و رشد نقدینگی طی دوره ۱۳۷۲-۱۳۵۵

سال	حجم پول (۱M) میلیارد ریال	نرخ رشد حجم پول (درصد)	نقدینگی (۲M) میلیارد ریال	نرخ رشد نقدینگی (درصد)
□□	□□□□□□	□□□□	□□□□□□□□	□□
□□	□□□□□□	□□□□	□□□□	□□□□
□□	□□□□□□□□	□□□□	□□□□□□□□	□□
□□	□□□□□□□□	□□□□	□□□□	□□□□
□□	□□□□□□□□	□□□□	□□□□□□□□	□□
□□	□□□□□□□□	□□□□	□□□□□□□□	□□
□□	□□□□□□□□	□□	□□□□□□□□	□□
□□	□□□□□□□□	□□□□	□□□□□□□□	□□
□□	□□□□□□□□	□□	□□□□□□□□	□□
□□	□□□□□□□□	□□	□□□□□□□□	□□

□□□□	□□□□□□□□	□□□□	□□□□□□□□	□□
□□□□	□□□□□□□□	□□□□	□□□□□□□□	□□
□□□□	□□□□□□□□	□□□□	□□□□□□□□	□□
□□□□	□□□□□□□□	□□□□	□□□□□□□□	□□
□□□□	□□□□□□□□	□□□□	□□□□□□□□	□□
□□□□	□□□□□□	□□	□□□□□□□□	□□
□□	□□□□□□□□	□□	□□□□□□□□	□□

مأخذ: مجموعه آماری سازمان برنامه و بودجه

هزینه‌های دولت: نسبت مجموع هزینه‌های حاکمیتی و تصدی‌گری دولت به تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۵۹ حدود ۶۵ درصد بوده است. نسبت مزبور در سال ۱۳۶۷ یعنی پس از طی شدن یک دوره طولانی اقتصاد جنگی به ۴۰ درصد رسیده است (پیوست یک برنامه اول توسعه، ۱۳۶۸: ۱-۳). بر اساس جدول شماره (۴) و (۵) در دوره ۱۳۶۷ - ۱۳۵۷ هزینه‌های جاری دولت روند افزایشی به خود گرفته و باعث افزایش کسری بودجه و همچنین کاهش درصد نسبت هزینه‌های عمرانی به جاری شده است. از نظر افزایش درآمدها و هزینه‌های عمومی دولت در سال‌های پس از انقلاب نیز دو دوره مشخص وجود دارد. در دوره نخست که تا پایان جنگ تحمیلی به درازا می‌کشید، در فاصله دوازده سال (۶۷-۱۳۵۵) هزینه‌های دولت تنها ۲/۴ برابر شد. با وجود هزینه‌های جنگ و کارشکنی‌های سرمایه‌داری تجاری ایران در مقابل دولت در نپرداختن مالیات و مشکل‌آفرینی در برابر سیاست‌های اقتصادی دولت، به نظر می‌رسد رشد هزینه‌های دولت اندک بوده است. در دوره دوم که از ۱۳۶۸ آغاز و تا ۱۳۷۴ ادامه داشته، هزینه‌های بودجه در فاصله تنها هفت سال (۷۴-۱۳۶۷)، حدود ده برابر شده که رشدی جهشی را نشان می‌دهد (رزاقی، ۱۳۹۲: ۱۲۱).

جدول شماره ۴: هزینه‌های دولت طی دوره مالی ۱۳۶۸-۱۳۵۶

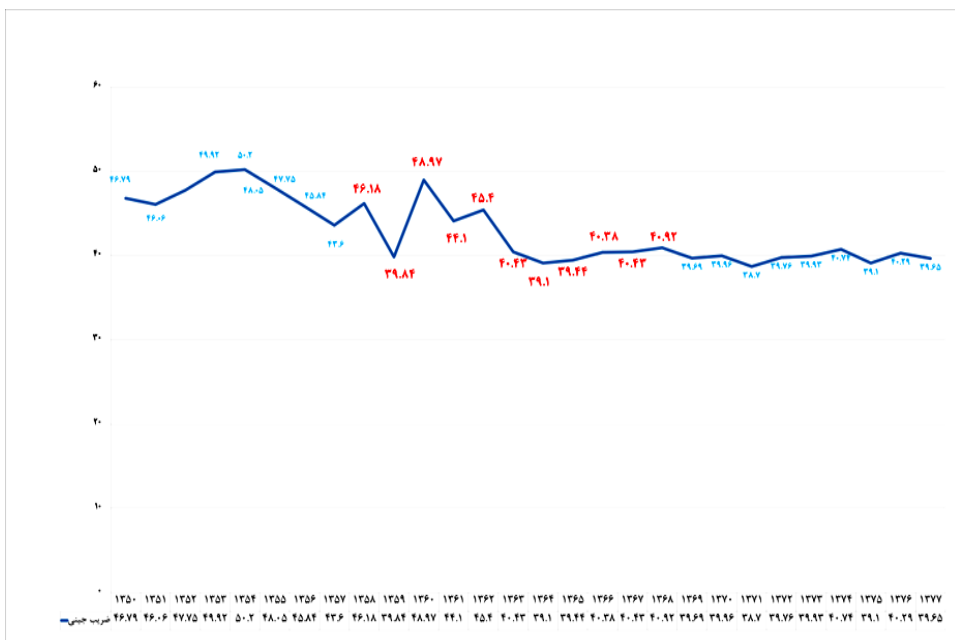
سال	هزینه کل	هزینه جاری میلیارد ریال	هزینه عمرانی میلیارد ریال	نسبت عمرانی از کل (درصد)
□□	□□□□□□□□	□□□□□□□□	□□□□□□□□	□□□□
□□	□□□□□□□□	□□□□□□□□	□□□□□□□□	□□□□
□□	□□□□□□□□	□□□□□□□□	□□□□□□□□	□□□□
□□	□□□□□□□□	□□□□□□□□	□□□□□□□□	□□□□
□□	□□□□□□□□	□□□□□□□□	□□□□□□□□	□□□□

روند به نسبت مناسبی داشته است؛ بنابراین شاخص بهبود روند توزیع درآمد کشور در خلال سال‌های جنگ تحمیلی به طور کامل قابل مشاهده می‌باشد (دژپسند و رئوفی، ۱۳۹۰: ۲۵). ضریب جینی در سال ۱۳۵۸ حدود ۶/۱۸ بوده و در پایان سال ۱۳۶۷ به عدد ۴۰/۴۳ تقلیل پیدا می‌نماید (دادگر و نظری، ۱۳۹۰: ۳۵۹).

جدول ۶: روند شاخص‌های توزیع درآمد در ایران از سال ۱۳۷۷-۱۳۴۸

سال	سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین	سال	ضریب جینی	سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین	سال	ضریب جینی	سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین	سال
۱۳۴۸	۱۹/۵۰	۱۳۵۸	۴۳/۶۸	۲۶/۶۰	۱۳۶۸	۴۶/۱۸	۱۷/۶	۴۰/۹۲
۱۳۴۹	۲۱/۴۰	۱۳۵۹	۴۴/۲۹	۱۷/۹۰	۱۳۶۹	۳۹/۸۴	۱۵/۹۰	۳۹/۶۹
۱۳۵۰	۲۴/۴۰	۱۳۶۰	۴۶/۷۹	۲۰/۰۵	۱۳۷۰	۴۸/۹۷	۱۶/۳۰	۳۹/۹۶
۱۳۵۱	۲۲/۸۰	۱۳۶۱	۴۶/۰۶	۲۲/۲۰	۱۳۷۱	۴۴/۱	۱۵/۹۰	۳۸/۷
۱۳۵۲	۲۶/۲۰	۱۳۶۲	۴۷/۷۵	۲۵/۵۰	۱۳۷۲	۴۵/۴	۱۶	۳۹/۷۶
۱۳۵۳	۲۹/۵۰	۱۳۶۳	۴۹/۹۲	۱۸/۵۰	۱۳۷۳	۴۰/۴۳	۱۵/۷۰	۳۹/۹۳
۱۳۵۴	۳۳/۸۰	۱۳۶۴	۵۰/۲	۱۶/۱۰	۱۳۷۴	۳۹/۱	۱۶/۱۰	۴۰/۷۴
۱۳۵۵	۳۱/۴۰	۱۳۶۵	۴۸/۰۵	۱۷/۰۰	۱۳۷۵	۳۹/۴۴	۱۴/۵۰	۳۹/۱
۱۳۵۶	۲۴/۷۰	۱۳۶۶	۴۵/۸۴	۱۷/۴۰	۱۳۷۶	۴۰/۳۸	۱۵/۷۰	۴۰/۲۹
۱۳۵۷	۱۹/۶۰	۱۳۶۷	۴۳/۶	۱۷/۳۰	۱۳۷۷	۴۰/۴۳	۱۴/۲۰	۳۹/۶۵

مأخذ: بانک اطلاعاتی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران



نمودار شماره ۱: ضریب جینی ایران طی سال‌های ۱۳۵۰-۱۳۷۷

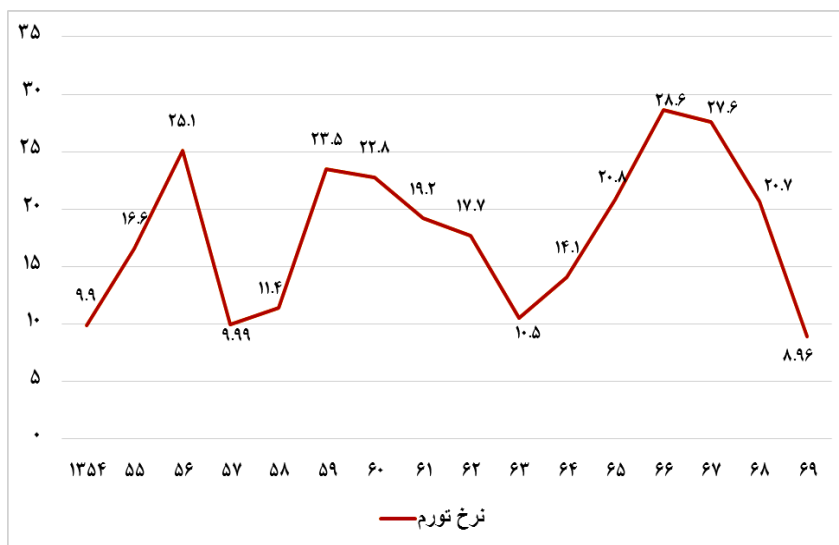
نرخ تورم

به استناد گزارش‌های سازمان برنامه و بودجه کشور در جدول شماره (۷) و نمودار ترسیمی بر اساس آن، شاخص قیمت‌ها^۱ و نرخ تورم طی دوره زمانی ۱۳۵۴-۱۳۷۰ از فراز و نشیب‌های قابل توجهی برخوردار بوده است. با شروع جنگ تحمیلی و ایجاد محاصره اقتصادی، نرخ تورم رو به فزونی گذارد. نرخ تورم در آستانه جنگ ۲۳٫۵ درصد بوده و در طول سال‌های جنگ به میانگین زیر ۲۰ درصد می‌رسد (مؤمنی، ۱۳۸۶: ۲۷۶). نرخ تورم در سال ۱۳۵۷ برابر با ۹٫۹۹ و در سال ۱۳۶۴ برابر با ۱۴/۱ و در سال ۱۳۶۷ برابر با ۲۷٫۶ می‌رسد.

جدول شماره ۷: شاخص قیمت (CPE) طی دوره ۱۳۷۰-۱۳۵۴

سال	شاخص قیمت (CPI)	نرخ تورم سالانه	سال	شاخص قیمت (CPI)	نرخ تورم سالانه
۱۳۵۳	۱۰۰ (سال پایه)	-	۱۳۶۲	۴۱۸	۱۷/۷
۱۳۵۴	۱۰۹,۹	۹/۹	۱۳۶۳	۴۶۲	۱۰/۵
۱۳۵۵	۱۲۸,۱	۱۶/۶	۱۳۶۴	۴۸۱	۱۴/۱
۱۳۵۶	۱۶۰,۲	۲۵/۱	۱۳۶۵	۵۸۱	۲۰/۸
۱۳۵۷	۱۷۶,۲	۹/۹۹	۱۳۶۶	۷۴۷	۲۸/۶
۱۳۵۸	۱۹۶,۳	۱۱/۴	۱۳۶۷	۹۵۳,۱	۲۷/۶
۱۳۵۹	۲۴۲,۵	۲۳/۵	۱۳۶۸	۱۱۵۰,۱	۲۰/۷
۱۳۶۰	۲۹۷,۹	۲۲/۸	۱۳۶۹	۱۲۵۳,۲	۸/۹۶
۱۳۶۱	۳۵۵	۱۹/۲	۱۳۷۰	۱۴۹۸/۶	۱۹/۶

مأخذ: مجموعه آماری سازمان برنامه و بودجه



نمودار ۲: نرخ تورم طی دوره ۱۳۵۴-۱۳۶۹

- رشد متوسط سالانه سرمایه‌گذاری

رشد متوسط سالانه سرمایه‌گذاری طی دوره به استثنای سال‌های ۱۳۶۲-۱۳۶۱ منفی گزارش شده است (طی سال‌های ۶۱-۶۲ بر اثر افزایش قیمت نفت رشد سرمایه‌گذاری کشور، رشد مثبتی را تجربه کرده است).

تولید ناخالص داخلی

تولید ناخالص داخلی طی دوره از نوسانات زیادی برخوردار بوده و در مجموع رشد منفی بین ۱/۵ تا ۲ درصد را تجربه نموده است. تولید ناخالص داخلی نیز نوسانات بسیاری داشته و از مبلغ ۱۱۷۸۹۷۰۰ میلیون دلار در سال ۱۳۵۷ به ۱۰۵۹۴۳۰۰ میلیون دلار در سال ۱۳۶۷ رسیده، نرخ رشد GDP نیز در این دوره ۱/۶- درصد می‌باشد (تونزاد، ۱۳۸۴: ۱۹۱).

جذب سرمایه‌گذاری خارجی

جذب سرمایه‌گذاری خارجی طی دوره دهه شصت به استناد جدول شماره (۸) مأخوذه از سازمان جذب سرمایه‌گذاری خارجی کشور به پایین‌ترین سطح ممکن تنزل پیدا می‌نماید. در ایران با پیروزی انقلاب اسلامی و ملی شدن بسیاری از واحدهای تولیدی، بیشتر سرمایه‌گذاران خارجی با واگذاری سهام خود به دولت ایران از کشور خارج شدند. همچنین به واسطه شرایط حاکم بر جامعه و وقوع جنگ تحمیلی تا آغاز برنامه اول توسعه، استفاده از سرمایه‌گذاری خارجی مورد توجه قرار نگرفت (بهکیش، ۱۳۹۵: ۳۱۵) و در برخی از سال‌های این دوره فرار سرمایه‌های جذب‌شده را شاهد هستیم.

جدول ۸: جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران طی سال‌های ۱۹۷۱-۱۹۹۸ میلادی

(میلیون دلار)

سال	جذب سرمایه خارجی	سال	جذب سرمایه خارجی	سال	جذب سرمایه خارجی
۱۹۷۰	۲۸	۱۹۸۰	۸۰/۹۱	۱۹۹۰	-۳۶۱/۹۵
۱۹۷۱	۶۵/۲	۱۹۸۱	۲۸/۲۲	۱۹۹۱	۲۲/۵۴
۱۹۷۲	۹۱/۲	۱۹۸۲	-۱۳۶/۰۹	۱۹۹۲	۸/۵
۱۹۷۳	۵۶۱/۵	۱۹۸۳	-۷۸/۵۲	۱۹۹۳	۲۰۷/۵۵
۱۹۷۴	۳۲۳/۵	۱۹۸۴	۴۲/۶۹	۱۹۹۴	۰/۲۹۴
۱۹۷۵	۴۹۴/۴	۱۹۸۵	-۳۸/۱۵	۱۹۹۵	۸/۷۶۳
۱۹۷۶	۱۰۱/۵۹	۱۹۸۶	-۱۱۲/۴۴	۱۹۹۶	۲۰/۴۹
۱۹۷۷	۳۴۵/۶۹	۱۹۸۷	-۳۰۷/۶۳	۱۹۹۷	۴۳/۱۱۲
۱۹۷۸	۹۰۹/۰۶	۱۹۸۸	۶۰/۵۴	۱۹۹۸	۳۷/۵۶۹
۱۹۷۹	۱۶۴/۳۶	۱۹۸۹	-۱۹/۴۲	۱۹۹۹	۱۵/۶۲۱

مأخذ: سازمان جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی جدول شماره ۶: عملکرد شاخص‌های اقتصادی در دهه شصت

ارزیابی شاخص‌های مدل سیاست‌گذاری اقتضایی در دهه ۶۰

با بررسی شرایط سیاسی، امنیتی، فرهنگی و اقتصادی پس از پیروزی انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی، در راستای اهداف سه‌گانه دولت (حفظ وضع موجود و اداره عمومی کشور، پشتیبانی لجستیکی از جبهه‌های جنگ و رفاه نسبی برای آحاد جامعه) سیاست دخالت مستقیم دولت در اقتصاد را باید یکی از شاخص‌های بارز دهه شصت ارزیابی نمود. دولت در عمل از مدل‌های توسعه و سیاست‌گذاری رایج فاصله گرفته و در راستای سیاست‌های کنترلی حداکثری و اقتضایی با وضع سیاست‌های عمومی ویژه و خط‌مشی‌های خاص اقدام نموده است. به استناد آمار و ارقام موجود، الف- رضایت نسبی عمومی (اجتماعی) و حضور فعال مردم در حمایت و مساعدت از دستگاه اجرایی (دولت) به‌خصوص با حضور در میدان‌های جنگ تحمیلی را باید تاب‌آوری بالای جامعه و در سطح قابل قبول ارزیابی نمود. ب- به‌رغم اینکه در این دوره کشور فاقد برنامه تدوین‌شده پنج‌ساله توسعه بوده و تنها خط‌مشی‌ها و سیاست‌ها بر اساس برنامه‌های سالانه ابلاغ می‌گردید. دستگاه عمومی (دولت) توانست قدرت انعطاف، واکنش مناسب و سازگاری لازم در برخورد با پدیده‌ها و حوادث غیرمنتظره را از خود بروز داده و اداره امور عمومی و عملکردی را در سطح قابل قبولی اجرا نماید. البته شرایط عمومی حاکم در جامعه بر اثر پیروزی انقلاب اسلامی و شرایط عمومی جنگی در کشور کمک غیر قابل انکاری را در این زمینه داشته است. ج- خط‌مشی‌ها و سیاست‌های متخذه در این دوره تا حدود زیادی با الگوها و مدل‌های رایج سیاست‌گذاری فاصله گرفته و سازواری لازم با برخی از مبانی نظری و تئوریک را از دست داده و در این زمینه از سطح غیر قابل قبولی برخوردار بوده است. گرایش برنامه‌ها بیش از آنکه بر رشد اقتصادی باشد، به نظریه‌های تأمین حداقل نیازها تمرکز داشته است و کشور در این دوره رشد اقتصادی منفی را تجربه کرده است. د- سازواری خط‌مشی‌ها و سیاست‌های ابلاغی دوره در بخش اقتصادی از جمله بازرگانی به‌خصوص بازرگانی خارجی، میزان دخالت دولت در امور و سیستم کوپنی با دیدگاه‌های حاکم بر ایدئولوژیک انقلاب اسلامی دارای تباین و تناقض ارزیابی شده، اما از سویی در بخش سیاست خارجی، سیاست‌های متخذه از جمله استکبارستیزی، توسعه روابط خارجی با کشورها و مردم تحت

ستم، حرکت در جهت استقلال سیاسی و اقتصادی کشور و تقویت خودکفایی، همچنین سیاست تلاش در جهت تغییرات ساختار بین‌المللی با دیدگاه‌ها و نگرش‌های انقلاب اسلامی به‌طور کامل منطبق و سازگاری قابل قبولی داشته است. در مجموع در این بخش سطح متوسط را می‌توان ارزیابی کرد. ه- نظر به شرایط و اقتضات تحمیلی بر دولت وقت، تلاش شده تا دولت با بهره‌گیری از راه‌های مختلف، اراده خود را در چهارچوب خط‌مشی و سیاست‌های کنترلی و تنظیمی در کلیه سطوح اجرایی اعمال و توانسته انضباط کافی، شاخص‌های عملکردی اقتصادی مناسب و تأمین امنیت عمومی را در جهت تحقق اهداف مورد نظر فراهم نماید. می‌توان این سازواری را در سطح قابل قبول به حساب آورد. و- این دوره را باید دوره خط‌مشی‌ها و سیاست‌های خاص دانست که هر ساله در برنامه‌های سالانه گنجانده و تلاش می‌شده تا با دقت هرچه تمام‌تر به مورد اجرا درآورده شوند. فضای عمومی حاکم بر برنامه‌ها به گونه‌ای بوده که نمی‌توان از انسجام و هماهنگی برنامه‌ای صحبت نمود؛ اما شرایط و اقتضات موجود نوعی انسجام ذاتی را در روند اجرای برنامه‌ها به وجود آورده بوده است و بر همین اساس انسجام عمومی در برنامه‌ها را از سطح قابل قبولی می‌شود برآورد کرد. در مجموع باید اذعان کرد که در دوره دهه ۶۰ سیاست‌گذاری اقتصادی از جایگاه عمده‌ای برخوردار بوده و سطح قابل قبولی را به خود اختصاص داده است.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

وقتی صحبت از مفاهیمی مانند رشد اقتصادی یا رفاه و عدالت اجتماعی به میان می‌آید، قضاوت و داوری در خصوص عملکرد برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری اقتصادی می‌تواند متفاوت، مختلف و تا حدودی مشکل باشد. هرچند اکثر اقتصاددانان بر تضمین عدالت اجتماعی در بلندمدت در سایه رشد اقتصادی تأکید دارند؛ اما به‌طور کامل واضح است که الزاماً (لااقل) در کوتاه‌مدت و حتی میان‌مدت رشد اقتصادی نمی‌تواند نوبدبخش رفاه عمومی و عدالت اجتماعی باشد و البته عکس آن نیز صادق است که در کوتاه‌مدت و حتی بلندمدت در سایه سیاست‌گذاری‌های رفاه و عدالت اجتماعی نمی‌توان رشد اقتصادی را

تأمین و تضمین نمود. بر این اساس ایجاد تفاهم و تعادل بین این دو مفهوم کاری بس دشوار به نظر می‌رسد. برنامه‌ریزی اقتضایی به مدد عناصر نهاده‌شده درونی خود می‌تواند نوعی تعادل بین این دو مفهوم را برقرار سازد. از سویی تاب‌آوری عمومی بالای جامعه در سایه انقلاب اسلامی و اهداف عالی آن وضعیت مناسبی را جهت اتخاذ چنین سیاست‌هایی فراهم و به سیستم (دستگاه‌های دولتی) توانایی انعطاف و آمادگی لازم در اعمال روش‌ها و خط‌مشی‌های عمومی اعطاء نموده بود. عملکرد دوره در سایه اتخاذ سیاست‌های اقتضایی توانسته بود رضایت عمومی را فراهم کند و برخی از شاخص‌های کلان اقتصادی از قبیل بیکاری، تورم، ضریب جینی و... از وضعیت قابل قبولی برخوردار باشند. هرچند متوسط رشد سالانه سرمایه‌گذاری منفی بیش از ۲٪ را از ویژگی‌های این دوره نیز باید به حساب آورد. مدل به کار گرفته‌شده در دهه شصت گویای تجربه‌ای به نسبت موفق در مواجهه با دوره‌های بحرانی و سختی که از اواخر دهه پنجاه تا دوره پایان جنگ تحمیلی در ایران بود، باید در نظر داشت. صرف نظر از سیاست‌ها و خط‌مشی‌های متخذه در آن دوره، اتخاذ چنین روشی‌هایی می‌تواند به‌عنوان الگوهای سازوار در سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی در مقاطع مختلف متناسب با اقتضانات و شرایط حاکم به‌کارگیری شوند. ویژگی‌های ژئوپلیتیکی کشور، شرایط حساس و خاص منطقه غرب آسیا (خاورمیانه)، اصول حاکم و نهاده‌شده بر کشور مبتنی بر عناصر (اسلامی و ملی) ایرانی و دیگر عوامل تأثیرگذار، چشم‌اندازی غیر پایدار، چالشی و غیرمستقر را در منطقه پیرامونی ما بیان می‌نماید. این شرایط ما را به سمت سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی اقتضایی سوق می‌دهد. سیاست‌ها و خط‌مشی‌های متخذه در هر دوره را نمی‌توان به‌عنوان مدلی ثابت که در هر شرایطی می‌توان آن را تکرار و تعمیم داد تلقی نمود، بلکه نوع نگرش و رویکرد نظام برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری شرطی و اقتضایی می‌تواند میزان آسیب‌پذیری ما را کاهش داده و تاب‌آوری لازم را افزایش دهد. در پایان می‌توان گفت که رویکرد سیاست‌گذاری اقتضایی در دهه شصت از جایگاه و نقش برجسته‌ای برخوردار بوده و توانسته کمک شایانی را در روند عمومی برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در آن مقطع داشته و رفاه عمومی و رضایت نسبی را فراهم نماید.

فهرست منابع و مآخذ

الف. منابع فارسی

- الوانی، سید مهدی (۱۳۶۸)، «الگوی اقتضایی و ایجابی در خط‌مشی‌گذاری عمومی»، آینده‌پژوهی مدیریت.
- اوری، پیترو - هامبلی و گاوین - ملویل، چارلز (۱۳۸۸)، «تاریخ ایران کمبریج»، ترجمه تیمور قادری، ج ۸، تهران: مهتاب - ابفام.
- بهداد، سهراب و نعمانی، فرهاد (۱۳۸۶)، «طبقه و کار در ایران»، ترجمه محمود متحد، تهران: آگاه.
- بهکیش، محمدمهدی (۱۳۹۵)، «اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن»، تهران: نی.
- توئزاد، مسعود (۱۳۸۴)، «کارکرد سیاست جایگزینی واردات در بخش صنعتی ایران»، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۲۲۲-۲۲۱.
- دادگر، یدالله و نظری، روح‌الله (۱۳۹۰)، تحلیل رفاهی سیاست‌های یارانه‌ها در اقتصاد ایران، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال یازدهم، شماره ۴۲.
- دایانا، هنت (۱۳۷۶)، نظریه‌های اقتصاد توسعه تحلیلی از الگوهای رقیب، ترجمه دکتر غلامرضا آزاد (ارمکی)، نی: تهران.
- دژپسند، فرهاد و رئوفی، حمیدرضا (۱۳۹۰)، اقتصاد ایران در دوران جنگ تحمیلی، تهران: مرکز اسناد دفاع مقدس.
- رزاقی، ابراهیم (۱۳۹۲)، اقتصاد ایران زمین، تهران: نشر نی.
- رضائیان علی (۱۳۹۵)، سازمان و مبنای مدیریت، تهران: انتشارات سمت.
- قنبرلو، عبدالله و کافی، نرگس (۱۳۹۴)، اقتصاد جنگ و مدیریت اقتصادی در دوره جنگ تحمیلی، پژوهشنامه دفاع مقدس، سال چهارم، شماره چهاردهم.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۶۸)، لایحه برنامه اول توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸-۱۳۷۲)، پیوست شماره یک، تهران.
- کاتوزیان همایون، محمدعلی (۱۳۹۳)، اقتصاد سیاسی ایران، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: مرکز.
- نائینی جلال سید، احمدرضا (۱۳۷۶)، بررسی روند تورم و سیاست‌های پولی، ارزی و اعتباری در اقتصاد ایران، تهران: مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی.

- نمازی، حسین (۱۳۹۵)، *نظام‌های اقتصادی*، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ دهم.
- متوسلی، محمود (۱۳۸۴)، *توسعه اقتصادی (مفاهیم، مبانی نظری، رویکرد نهادگرایی و روش‌شناسی)*، تهران: سمت.
- مدنی، داود (۱۳۷۱)، *تئوری اقتضاء و تحقیقات کاربردی در مدیریت*، مطالعات مدیریت، شماره ۶.
- مصلی‌نژاد، عباس (۱۳۹۰)، *سیاست‌گذاری اقتصادی (مدل، روش و فرایند)*، چاپ اول، تهران: چاپ غزال.
- مصلی‌نژاد، عباس (۱۳۹۵)، *اقتصاد سیاسی*، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مک لئود، اچ. اس (۱۳۹۷)، *برنامه‌ریزی در ایران*، ترجمه علی اعظم محمدبیگی، تهران: نی.
- مؤمنی، فرشاد (۱۳۹۵)، *اقتصاد سیاسی توسعه در ایران امروز*، تهران: نقش و نگار.
- وحید، مجید (۱۳۸۸)، *سیاست‌گذاری عمومی*، تهران: بنیاد حقوقی میزان، چاپ دوم.
- وزارت بازرگانی (۱۳۶۸) *عملکرد صادرات غیرنفتی و واردات (۶۰-۱۳۵۶)*.

ب. منابع انگلیسی

- Bryson J M, Delbecq A L. (1979). A Contingent Approach to Strategy and Tactics in Project Planning, *Journal of the American Planning Association*, (45), 167-179.
- Donaldson.L, (2001), *The Contingency Theory of Organizations*, Thousand Oaks: Sage.
- Kaufman J L. (1979). Comment. *Journal of the American Planning Association*, (45), 403-406
- Malizia E. (1982) Contingency Planning for Local Economic Development. *Environment and Planning, B: Planning and Design*, 9(2), 163-176.
- Thai, M, (2014), *Contingency Perspective: Wiley Encyclopedia of Management*, eds C.L. Cooper, M. Vodosek, D.N. Hartog and J.M. McNett.

